

## ملاک انتخاب پیامبران و امامان از منظر احادیث

محمد ابراهیمی راد\*

### چکیده

یکی از سؤالات مهمی که در بحث نبوت مطرح می‌شود، این است که چرا در میان همه انسان‌ها تنها افراد خاصی به عنوان پیامبر انتخاب می‌شوند و به آنان مقام عصمت داده می‌شود؟ آیا این انتخاب بر اساس لیاقت و شایستگی خود آنان بوده، یا این که صرفاً موهبتی الهی است که خداوند به آنان داده و به دیگران نداده است؟ اگر این انتخاب بر اساس شایستگی آنان بوده است، این شایستگی را چگونه به دست آورده‌اند؛ با این که تشیع معتقد است: آنان از ابتدای تکلیف و قبل از بعثت معصوم بوده‌اند و بعضی از آنان در زمان کودکی پیامبر بودند؛ و اگر این انتخاب فقط یک موهبت الهی است، چرا این موهبت تنها شامل آنان شده است و در این صورت عدالت و حکمت خداوند چگونه توجیه می‌شود و این مقام چه افتخاری برای آنان خواهد بود؟ در این مقاله تلاش شده است که بر اساس روایات و استفاده از مبانی علم کلام به این سؤالات پاسخ داده شود.

**کلید واژه‌ها:** نبوت، امامت، عصمت، انتخاب، علم ازلی.

### طرح مسأله

یکی از مباحث مهمی که در بحث نبوت مطرح بوده و مورد سؤال و اشکال است، این بحث است که چرا در میان همه انسان‌ها تنها افراد خاصی به مقام نبوت و پیامبری می‌رسند؟ و چرا مقام عصمت و سایر کمالات و امتیازات تنها به آنان داده شده و به دیگران داده نشده است؟ آیا اعطای این مناصب و مقامات مهم بر اساس شایستگی خود آنان بوده، یا تنها موهبتی است آسمانی که خداوند آن را در اختیار برگزیدگانی از مخلوقاتش قرار داده است؛ بدون این که خود آنان شایستگی رسیدن به این

مقامات را داشته باشند؟

اگر این موهبت بر اساس شایستگی آنان بوده است، در این صورت، سؤال می‌شود که این شایستگی را در چه زمانی به دست آورده و در چه زمانی به مرحله ظهور رسانده‌اند؟ با این که بعضی از انبیا از زمان کودکی پیامبر بودند (مانند حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام)؛ و همه انبیا قبل از بعثت دارای مقام عصمت بوده‌اند؛ و اگر فقط اعطای خداوند بوده است، بدون این که آنان شایستگی آن داشته باشند، در این صورت، دو سؤال مطرح می‌شود:

۱. چرا خداوند این موهبت را تنها به آنان اعطا کرده و به دیگران اعطا نکرده است؟
- در این فرض، عدالت و حکمت خداوند چگونه توجیه می‌شود؟
۲. در صورتی که این مقام فقط اعطا و موهبت خداوند باشد، چه افتخار و امتیازی برای آنان محسوب می‌شود؟

همین سؤالات درباره امامت امامان علیهم السلام نیز مطرح می‌شود.

### پاسخ این سؤالات از منظر احادیث

احادیثی که در این زمینه وجود دارد، بسیار زیاد است و از نظر معنا و محتوا و حتی از نظر الفاظ دارای تواتر است. از این جهت، نیازی به بررسی سند این احادیث نیست.

روایات و احادیثی که این مسأله را مطرح کرده‌اند، به چند گروه تقسیم می‌شود:

۱. گروه اول: روایاتی که درباره انتخاب حضرت موسی علیه السلام وارد شده است.

اینک نمونه‌هایی از این دسته از روایات:

#### الف. احادیث شیعه

۱. کلینی (م ۳۲۹ق) در کتاب الکافی آورده است:

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أوحى الله - عز وجل - إلى موسى عليه السلام: أن يا موسى! أتدري لما اصطفيتك بكلامى دون خلقى؟ قال: يا رب! ولم ذاك؟ قال: فأوحى الله - تبارك وتعالى - إليه أن يا موسى! إنى قلبت عبادى ظهراً لبطن، فلم أجد فيهم أحداً أذل لى نفساً منك؛<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به موسی وحی فرستاد که ای موسی، آیا می‌دانی از چه روی تنها تو را به وحی و کلام خویش برگزیدم؟ عرض کرد: پروردگارا، از چه روی بوده است؟ خداوند فرمود: ای موسی، من دل بندگانم را زیر و رو کردم و در بین ایشان کسی را چون تو خاکسارتر در پیشگاه خود ندیدم.

۲. صدوق (م ۳۸۱ق) در کتاب من لایحضره الفقیه و علل الشرایع آورده است:

عن أبي جعفر عليه السلام قال: أوحى الله - عز وجل - إلى موسى عليه السلام: أتدري لما اصطفيتك لكلامى دون

خلقى؟ فقال موسى ﷺ: لا يا رب. فقال: يا موسى! إني قلبت عبادى ظهراً لبطن، فلم أجد فيهم أحداً أذل لي منك نفساً؛<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خداوند به موسی وحی فرستاد که ای موسی، آیا می‌دانی از چه روی تنها تو را به وحی و کلام خویش برگزیدم؟ عرض کرد: پروردگارا، نمی‌دانم. آن گاه خدا فرمود: ای موسی، من دل بندگانم را زیر و رو کردم و در بین ایشان کسی را چون تو خاکسارتر در پیشگاه خود ندیدم.

۳. نیز در کتاب علل الشرایع آورده است:

عن إسحاق بن عمار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن موسى عليه السلام احتبس عنه الوحي أربعين أو ثلاثين صباحاً... فأوحى الله - عز وجل - إليه: يا موسى بن عمران! أتدري لما اصطفتك لوحى و كلامى دون خلقى؟ فقال: لا علم لى يا رب. فقال: يا موسى! إني اطّلت إلى خلقى إطلاعة فلم أجد فى خلقى أشدّ تواضعاً لى منك، فمن ثم خصصتك بوحي و كلامى من بين خلقى؛<sup>۳</sup>

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: وحی الهی از موسای کلیم چهل شبانه روز دریغ شد. خدای - عز و جل - به او وحی فرستاد که ای موسی، آیا می‌دانی از چه روی تنها تو را به وحی و کلام خویش برگزیدم؟ عرض کرد: پروردگارا، نمی‌دانم. آن گاه خدا فرمود: ای موسی، من بر خلائقم نظری افکندم و در بین ایشان کسی را خاکسارتر از تو در پیشگاه خود نیافتم. از این رو، تنها تو را به وحی و کلام خود مخصوص گرداندم.

۴. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب الامالی آورده است:

عن جميل بن دراج، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أوحى الله إلى موسى بن عمران عليه السلام: أتدري يا موسى! لم انتجبتك من خلقى و اصطفتك لكلامى؟ فقال: لا يا رب. فأوحى الله إليه: إني اطّلت إلى الأرض فلم أجد عليها أشدّ تواضعاً لى منك.<sup>۴</sup>

۵. علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در کتاب بحار الأنوار آورده است:

عن أبي بصير قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إن موسى بن عمران عليه السلام حبس عنه الوحي ثلاثين صباحاً... فأوحى الله إليه: أن يا موسى! أتدري لم خصصتك بوحي و كلامى من بين خلقى؟ فقال: لا أعلمه يا رب. قال: يا موسى! إني اطّلت إلى خلقى إطلاعة فلم أر فى خلقى أشدّ تواضعاً منك، فمن ثم خصصتك بوحي و كلامى من بين خلقى.<sup>۵</sup>

تحلیل این دسته از روایات

این سخنان و روایات بدان معناست که انتخاب حضرت موسی علیه السلام بر این اساس بوده است که خداوند با علم ازلی به آینده همه انسان‌ها می‌دانسته که در میان همه انسان‌ها کسی متواضع‌تر و مطیع‌تر از

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۸.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۷ ج ۸۳، ص ۲۰۰.

۴. الامالی، ص ۱۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۷ و ج ۸۶، ص ۱۹۹؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۰۷۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۵۷؛ ج ۷۲، ص ۱۲.

حضرت موسی در برابر خداوند نیست؛ یعنی موسی در صورتی که پیامبر هم نمی‌شد و معصوم هم نمی‌گردید، با اراده و اختیار خویش، خود را خاضع‌ترین و صالح‌ترین انسان در برابر خدا قرار می‌داد. از این جهت، خداوند از میان همه انسان‌ها تنها او را به عنوان پیامبر برگزید. پس انتخاب موسی به عنوان پیامبر بر اساس شایستگی ایشان بوده که این شایستگی در دیگران نبوده است.

## ب. احادیث اهل سنت

۱. ابن عساکر (م ۴۹۹ق) در کتاب تاریخ مدینه دمشق آورده است:

عن داود بن ابی هند، عن وهب بن منبه قال: قرأت فی بعض الکتب التي أنزل الله من السماء إن الله قال لموسى: أتدري لأى شيء كلمتك؟ قال: لأى شيء؟ قال: لأنى اطلمت فى قلوب العباد فلم أر قلباً أشد حباً لى من قلبك؛

خداوند به موسی فرمود: آیا می‌دانی از چه روی تو را به وحی و کلام خویش برگزیدم؟ عرض کرد: از چه روی بوده است؟ فرمود: چون من بر دل بندگان خویش که واقف شدم، در بین ایشان دلی را که محبتش نسبت به من بیش‌تر از دل تو باشد، نیافتم.

أحمد بن أبی الحواری قال: سمعت أباسليمان الداراني يقول: اطلع الله فى قلوب الآدميين فلم يجد فيهم قلباً أشد تواضعاً من قلب موسى فخصه منه بالكلام لتواضعه؛<sup>۶</sup>

اباسليمان الداراني می‌گوید: خداوند بر دل بندگان خویش که واقف شد، دلی خاکسارتر از دل موسی در پیشگاه خود نیافت و از این رو تنها او را بر وحی و کلام خود مخصوص گردانید.

۲. همو در آن کتاب نقل می‌کند:

أخبرنا أبو القاسم علي بن إبراهيم، أنا رشأ بن نظيف، أنا الحسن بن إسماعيل بن محمد، نا أبو بكر المالكي، نا أحمد بن محمد البغدادي، نا عبد المنعم، عن أبيه، عن وهب قال: اطلع الله على قلوب الأدميين فلم يجد قلباً أشد تواضعاً له من قلب موسى فخصه بالكلام لتواضعه.

أخبرنا أبو عبد الله الحسين بن عبد الملك، أنا أبو طاهر بن محمود، أنا أبو بكر بن المقرئ، نا مكحول البيروتي، نا أبو عمير عيسى بن محمد بن النحاس، نا ضمرة، عن ابن شوذب قال: أوحى الله إلى موسى: تدري لأى شيء اصطفتك برسالاتي و بكلامي؟ قال: لا يا رب. قال: لأنه لم يتواضع لى أحد تواضعك.

أخبرنا أبو الحسن الفقيهان قالوا: أنا أبو الحسن بن أبي الحديد، أنا جدى أبو بكر، أنا أبو بكر الخراطقي، نا أبو حفص عمر بن محمد النسائي، نا أحمد بن أبى الحواری قال: سمعت أباسليمان الداراني يقول: اطلع الله فى قلوب الآدميين فلم يجد فيهم قلباً أشد تواضعاً من قلب موسى فخصه منه بالكلام لتواضعه.

أخبرنا أبو القاسم زاهر بن طاهر، أنا أبو بكر البيهقي، أنا أبو عبد الله الحافظ، أنا الحسن بن محمد بن إسحاق، أنا أبو عثمان الخياط، نا أحمد بن أبى الحواری قال: سمعت أباسليمان يقول: إن الله اطلع

فی قلوب الآدميين فلم يجد قلباً أشد تواضعاً من قلب موسى فخصه بالكلام لتواضعه.<sup>۷</sup>

۳. ابن کثیر (م ۷۰۱ق) در کتاب تفسیر ابن کثیر آورده است:

قد قيل إن الله تعالى قال: يا موسى! أتدري لم خصصتك بالتكليم من بين الناس؟ قال: لا. قال لأنني لم يتواضع إلى أحد تواضعك.<sup>۸</sup>

۴. جلال الدین السيوطی (م ۸۴۹ق) در کتاب الدر المتثور آورده است:

أخرج البيهقي في الشعب من طريق أحمد بن أبي الحواري، عن أبي سليمان قال: إن الله أطلع في قلوب الآدميين فلم يجد قلباً أشد تواضعاً من قلب موسى ﷺ فخصه بالكلام لتواضعه.<sup>۹</sup>

مضمون و معنای این احادیث همانند احادیث شیعه است؛ لذا به ترجمه و تحلیل محتوای این روایات نیازی نیست.

۲. گروه دوم: روایاتی که درباره انتخاب حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر و حضرت علی و ائمه ﷺ به عنوان وصی و جانشین ایشان وارد شده است. اینک نمونه‌هایی از این دسته از روایات:

#### الف. احادیث شیعه

۱. شیخ مفید (م ۳۳۶ق) در کتاب الارشاد آورده است:

عن أبي هارون، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول لفاطمة ؑ: ... يا فاطمة!... إن الله تعالى أطلع إلى أهل الأرض اطلاعة فاختار منهم أباك فجعله نبياً، و أطلع إليهم ثانياً فاختار منهم بعلك فجعله وصياً...؛<sup>۱۰</sup>

رسول خدا ﷺ به فاطمه ؑ فرمود: ای فاطمه، خدای بلند مرتبه با علم خویش به اهل زمین نگریست و از بین ایشان پدرت را به عنوان پیامبر برگزید. بار دیگر به اهل زمین نگریست و علی را به عنوان وصی و جانشین ایشان انتخاب کرد.

۲. همو در کتاب الغيبة آورده است:

عن جابر بن يزيد الجعفي قال: سمعت سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب يحدث أبا جعفر محمد بن علي بن الحسين ؑ بمكة قال: سمعت أبا عبد الله بن عمر بن الخطاب يقول: سمعت رسول الله ﷺ يقول: إن الله - عز وجل - أوحى إلى ليلة أسرى بي... قال: يا محمد! اني اطلمت إلى الأرض اطلاعة فاخترتك منها...، ثم اطلمت إلى الأرض اطاعة اخرى فاخترت منها علي بن أبي طالب فجعلته وصيك...؛<sup>۱۱</sup>

۷. همان، ج ۶۱، ص ۵۳.

۸. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۵۱۳.

۹. الدر المتثور، ج ۳، ص ۱۱۸.

۱۰. الارشاد، ص ۳۶، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۷.

۱۱. الغيبة، ص ۹۳، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۲.

رسول خدا ﷺ فرمود: آن گاه که مرا به آسمان عروج دادند، خدای - عز و جل - مرا ندا داد: ای محمد، من به اهل زمین نگرستم و تو را از بین ایشان برگزیدم و بار دیگر نگرستم و علی را از میان آنان به عنوان وصی و جانشین تو برگزیدم.

۳. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در کتاب من لایحضره الفقیه و در کتاب الخصال، در ضمن حدیث مفصّلی که نصایح پیامبر ﷺ به علی ﷺ را بیان می‌کند، آورده است:

یا علی! إن الله - عز و جل - أشرف علی [أهل] الدنيا فاختارنی منها علی رجال العالمین، ثم أطلع الثانية فاختارک علی رجال العالمین، ثم أطلع الثالثة فاختار الاثمة من ولدك علی رجال العالمین.<sup>۱۲</sup>

۴. همو در کتاب عیون اخبار الرضا ﷺ آورده است:

عن المفضل بن عمر، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن أمير المؤمنين ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: لما أسرى بی الی السماء أوحی الی ربی - جل جلاله - فقال: یا محمد! انسی اطلعت الی الأرض اطلاعاً فاخترتک منها فجعلتک نبیاً... ثم اطلعت الثانية فاخترت منها علی و جعلته وصیک و خلیفتک...<sup>۱۳</sup>

۵. همچنین در کتاب کمال الدین و تمام النعمة آورده است:

عن عبدالله بن عباس قال: قال رسول الله ﷺ: إن الله - تبارک و تعالی - أطلع الی الارض إطلاعة فاختارنی منها فجعلنی نبیاً، ثم أطلع الثانية فاختار منها علیاً فجعله إماماً، ثم أمرنی أن أتخذہ أخاً و ولیاً و وصیاً و خلیفة و وزیراً.<sup>۱۴</sup>

۶. نیز در همان کتاب آورده است:

عن سلیم بن القیس الهلالی قال: سمعت سلمان الفارسی یقول: قال رسول الله ﷺ: یا فاطمة!... إن الله - تبارک و تعالی - أطلع الی الارض إطلاعة فاختارنی من خلقه فجعلنی نبیاً ثم أطلع الی الارض إطلاعة ثانية فاختار منها زوجک و أوحی الی أن أزوجک إیاه و أتخذہ ولیاً و وزیراً و أن أجعله خلیفتی فی امتی... ثم أطلع الی الارض إطلاعة ثالثة فاختارک و ولدیک.<sup>۱۵</sup>

۷. شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتاب آورده است:

عن ابی ایوب انصاری قال: قال رسول الله ﷺ: یا فاطمة! إن الله (تعالی) اطلع الی اهل الارض اطلاعة فاختارنی منها فبعثنی نبیاً، و اطلع الیها ثانية فاختار بعلک فجعله وصیاً.<sup>۱۶</sup>

۸. همو در همان کتاب الامالی آورده است:

۱۲. من لایحضره الفقیه، ص ۳۷۴؛ الخصال، ص ۲۰۶.

۱۳. عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۶۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۴۵.

۱۴. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۵۷.

۱۵. همان، ص ۲۶۳.

۱۶. الامالی، ص ۱۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۴۱ و ۶۶.

قال لها رسول الله ﷺ: يا فاطمه! ان الله (تعالى) اطلع اطلاعة من سمائه الى ارضه فاختر منها اباك فاتخذة صفيًا و ابتعته برسالته. يا فاطمه! ان الله اطلع اطلاعه من سمائه الى ارضه فاختر منها بعلك و امرني ان ازوجك و ان اتخذة وصيًا.<sup>١٧</sup>

٩. سيد بن طاووس (م ٥٨٩ق) در كتاب اليقين باختصاص مولانا على بامرة المؤمنين آورده است:

عن ابن عباس قال: قال رسول الله ﷺ يا فاطمة! ... ان الله - تبارك وتعالى - اطلع اطلاعة إلى الارض فاختر منها رجلين: أحدهما أبوك، والآخر بعلك ... يا محمد! إني اطلمت على قلوب عبادي فوجدت علياً أنصح خلقي لك، و أطوعهم لك، فاتخذة أخاً و خليفة و وصياً...<sup>١٨</sup>

١١. همو در كتاب اقبال الاعمال آورده است:

قال الله - تبارك وتعالى -: ... ثم اطلمت على قلوب المصطفين من رسلي فلم اجد فيهم اطوع و لا انصح لخلقى من محمد خيرتى و خالصتى فاخترته على علم ... ثم وجدت قلوب حامته اللاتى من بعده على صبغة قلبه فالحقتهم به و جعلتهم ورثة كتابى و وحى و اوكار حكمتى و نورى....<sup>١٩</sup>

و در ادامه می فرماید:

هذا محمد خيرتى ... و حجتى الكبرى فى بريتى، نبتته و اجتبيته إذا آدم بين الطين و الجسد... و هذا على اخوه و صديقه الأكبر، آخيت بينهما و اخترتهما ... و اخلصتهما و الابرار منهما و ذريتهما قبل ان اخلق سمائى و ارضى و ما فيهما من خلقى، و ذلك لعلمى بهم و بقلوبهم انى بعبادى عليهم خير.<sup>٢٠</sup>

١٢. همچنين در همان كتاب آورده است:

و أتوسل اليك بالأئمة الذين اخترتهم لسرك ... و اخترتهم بعلمك ... و اصطفيتهم....<sup>٢١</sup>

١٣. علامه مجلسى (م ١١١١ق) در بحار الانوار آورده است:

روى ابن شاذان باسناده قال: قال رسول الله ﷺ: ليله اسرى بي إلى الجليل - جل جلاله - أوحى إلى ... قال: يا محمد! إني اطلمت إلى الارض اطلاعة فاخترتك منها ... ثم اطلمت الثانية فيها فاخترت منها علياً.<sup>٢٢</sup>

١٤. همو آورده است:

اللهم صل على أمير المؤمنين عبدك و أخى رسولك، و خير من انتجبتة بعلمك، و جعلته هادياً لمن شئت من خلقك....

١٧. الامالى، ص ٤٠٦.

١٨. اليقين، ص ٤٢٤؛ بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٣٩٩ و ج ٤٠، ص ١٩.

١٩. اقبال الأعمال، ج ٢، ص ٣٣٦؛ بحار الأنوار، ج ٢١، ص ٣١٢.

٢٠. اقبال الأعمال، ج ٢، ص ٣٣٨؛ بحار الأنوار، ج ٢١، ص ٣١٥.

٢١. اقبال الأعمال، ج ٢، ص ١٠٧.

٢٢. بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ١٩٩ و ج ٣٦، ص ٢٦١.

در ادامه این صلوات، عبارت (الذی انتجبتہ بعلمک) برای تمامی ائمه علیهم السلام تکرار شده است. ۲۳  
۱۵. همچنین آورده است:

اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و اهل بیتہ الذین اخترتهم علی علم علی العالمین. ۲۴

### تحلیل این دسته از روایات

این سخنان و روایات بدان معناست که چون تو و علی علیهما السلام و سایر ائمه علیهم السلام در میان همه آن انسان‌ها مطیع‌ترین و خاضع‌ترین و در نتیجه شایسته‌ترین بودید، مقام نبوت به تو و مقام امامت به علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام داده شد و به دیگران داده نشد. واضح است که انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر و انتخاب حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام به عنوان امام، بعد از تولد آنان نبوده، بلکه خداوند آنان را از ازل به عنوان پیامبر و امام برای آن زمان خاص انتخاب کرده بود و دلیل این انتخاب هم همان برتری آنان نسبت به دیگران در اطاعت و بندگی خداوند بوده است؛ یعنی خداوند با علم ازلی می‌دانست که پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام در آینده، حتی اگر به رتبه پیامبری و امامت هم نایل نشوند، با اراده و اختیار خود نسبت به انسان‌های دیگر در برابر خداوند مطیع‌تر و متواضع‌ترند و بیش از دیگران در مسیر اطاعت و بندگی خداوند قرار دارند؛ لذا در میان همه انسان‌ها، آنان شایسته‌تر از دیگران برای نیل به رتبه پیامبری و امامت هستند. بر همین اساس، آنان را از ابتدا به عنوان پیامبر و امام برای آینده انتخاب کرد و چون این انتخاب بر اساس شایستگی آنان بوده است، لذا برای آنان موجب افتخار نیز هست.

### ب. احادیث اهل سنت

۱. طبرانی (م ۲۶۰) در کتاب المعجم الأوسط نقل کرده است:

عن عبدالله بن مسعود قال: ان الله - عز و جل - اطلع فی قلوب العباد فوجد قلب محمد خیر قلوب العباد ثم اطلع فی قلوب العباد بعد قلب محمد فوجد قلوب اصحابه خیر قلوب العباد فاخترهم لدینه یقاتلون علی دینه؛ ۲۵  
عبدالله بن مسعود می‌گوید: خداوند - عز و جل - بر دل‌های بندگان که واقف شد، دل پیامبر اسلام را بهترین دل [از لحاظ خضوع و خشوع] یافت. بار دیگر که بر دل‌های بندگان واقف گردید، دل‌های اصحاب پیامبر را بهترین یافت؛ لذا آنان را برای دفاع از دین خویش برگزید.

۲. همو در کتاب المعجم الکبیر نقل کرده است:

حدثنا محمد بن عبدالله الحضرمی ثنا أحمد بن یونس ثنا أبوبکر بن عیاش عن عاصم عن زر عن عبدالله قال إن الله - عز و جل - اطلع فی قلوب العباد فوجد قلب محمد صلی الله علیه و آله خیر قلوب العباد

۲۳. همان، ج ۹۸، ص ۲۶۳.

۲۴. همان، ج ۴۱، ص ۲۴۰ و ج ۹۲، ص ۲۸۴ و ۱۹۲.

۲۵. المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۵۸.

فاصفاه لنفسه و خصه أو قال بعنه برسالته ثم اطلع في قلوب العباد بعد قلبه فوجد قلوب أصحابه خير قلوب العباد فجعلهم وزراء نبيه ﷺ يقاتلون على دينه؛<sup>۲۶</sup>  
 خدای عز و جل که به دل‌های بندگان واقف شد، دل پیامبر اسلام را بهترین دل از لحاظ خضوع و خشوع یافت؛ لذا او را به عنوان پیامبری برگزید. بار دیگر که به دل‌های بندگان واقف شد، دل‌های اصحاب پیامبر را بهترین یافت؛ لذا آنها را به عنوان همراه پیامبر برای دفاع از دین خویش انتخاب کرد.

۳. عبدالله بن عدی (م ۲۷۷ق) در کتاب الکامل نقل کرده است:

عن حميد، عن أنس عن النبي ﷺ قال: ان الله اطلع على عباده فاختار من الخلق العرب و اختار من العرب مضر و اختار من مضر قريشاً و اختار من قريش بنى هاشم و اختارني من بنى هاشم فأنا من خيار إلى خيار.<sup>۲۷</sup>

۴. حاکم النیشابوری (م ۳۲۱ق) در کتاب المستدرک نقل کرده است:

عن ابى هريرة ؓ قال: قالت فاطمة - رضی الله عنها - : يا رسول الله! زوجتني من علي بن ابي طالب و هو فقير لا مال له. فقال يا فاطمة! اما ترضين ان الله - عز و جل - اطلع إلى اهل الارض فاختار رجلين احدهما ابوك و الآخر بعلك.<sup>۲۸</sup>

۵. خطیب بغدادی (م ۳۹۲ق) در کتاب تاریخ بغداد نقل کرده است:

أحمد بن عبدالله بن زيد الهشيمي، حدثنا عبدالرزاق، أخبرنا معمر، عن بن أبي نجيع، عن مجاهد، عن بن عباس قال: لما زوج النبي ﷺ علياً فاطمة قالت يا رسول الله: زوجتني من عائل لا مال له فقال لها النبي ﷺ: أو ما ترضين ان يكون الله اطلع على أهل الارض فاختار منهم رجلين فجعل أحدهما أباك و الآخر بعلك؟<sup>۲۹</sup>

۶. ابن عساکر (م ۴۹۹ق) در کتاب تاریخ مدینه دمشق آورده است:

ابن رزق بن جامع المصري، نا الهيثم بن حبيب، نا سفيان بن عيينة، عن علي بن علي الهلالي، عن أبيه قال: دخلت على رسول الله ﷺ في شكاته التي قبض فيها فإذا فاطمة عند رأسه فبكت حتى ارتفع صوتها فرفع رسول الله ﷺ طرفه إليها فقال: حبيبتي فاطمة! ما الذي يبكيك قالت: أخشى الضيعة من بعلك. فقال: أما علمت أن الله أطلع على الأرض اطلاعة فاختار منها أباك يبعثه برسالته ثم اطلع اطلاعة فاختار منها بعلك.<sup>۳۰</sup>

۷. ابن‌ابی‌الحدید (م ۵۸۶) در کتاب شرح نهج البلاغة آورده است:

الخبر الثالث و العشرون، قالت فاطمة: إنك زوجتني فقيراً لا مال له، فقال: ... ألا تعلمين أن الله

۲۶. المعجم الكبير، ج ۹، ص ۱۱۲؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲۷. الکامل، ج ۶، ص ۳۰۳.

۲۸. المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۹.

۲۹. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۴۱۸؛ المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۷۷؛ الکامل، ج ۵، ص ۳۱۳ و ۳۳۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۳۵.

۳۰. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۳۰.

اطلع إلى الارض اطلاعة، فاختار منها أباك، ثم اطلع إليها ثانية فاختار منها بعلك.<sup>۳۱</sup>

۸. هينمى (م ۷۳۵) در كتاب مجمع الزوائد آورده است:

وعن أبى أيوب الانصارى أن رسول الله ﷺ قال لفاطمة - رضى الله عنها -: أما علمت أن الله - عزوجل - اطلع إلى أهل الارض فاختار منهم أباك فبعته نبياً ثم اطلع الثانية فاختار بعلك فأوحى الله إليّ فأنكحته و اتخذته وصياً.<sup>۳۲</sup>

۹. سبط ابن العجمى (م ۷۵۳ ق) در كتاب الكشف الحثيث آورده است:

حدثنا سريج بن يونس، ثنا أبو حفص الأبار، ثنا الأعمش، عن أبى صالح، عن أبى هريرة ؓ قالت فاطمة - رضى الله عنها -: يا رسول الله! زوجتنى من على و هو فقير لا مال له. قال: يا فاطمة! الا ترضين أن الله اطلع إلى أهل الأرض فاختار رجلين أحدهما أبوك و الآخر بعلك.<sup>۳۳</sup>

۱۰. المتقى الهندى (م ۹۷۵ ق) در كتاب كنز العمال آورده است:

عن ابن عباس، قال رسول الله ﷺ لفاطمة: أما ترضين يا فاطمة! أن الله اطلع على أهل الارض فاختار منهم رجلين فجعل أحدهما أباك و الآخر بعلك.<sup>۳۴</sup>

۱۱. قندوزى (م ۱۲۲۰ ق) در كتاب يتاييع المودة آورده است:

و فى كتاب فضائل الصحابة لابی المظفر السمعانى: عن أبى سعيد الخدرى قال: دخلت فاطمة على أبيها ﷺ فى مرضه و بكت و قالت: يا أبى! أخشى الضيعة من بعدك. فقال: يا فاطمة! إن الله اطلع الى أهل الارض اطلاعة فاختار منهم أباك فبعته رسولا، ثم اطلع ثانية فاختار منهم بعلك فأمرنى أن أزوجه منه، فزوجتك منه.<sup>۳۵</sup>

۱۲. نیز در همان كتاب آورده است:

أخرج أبو المؤيد موفق بن أحمد الخوارزمى بسنده، عن أبى سليمان راعى رسول الله قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: ليلة أسرى بى إلى السماء... قال: يا محمد! إنى اطلعت الى أهل الارض اطلاعة فاخترتك منهم...، ثم اطلعت الثانية فاخترت منهم علياً فسميته باسمى.<sup>۳۶</sup>

مضمون این روایات نیز مانند روایات شیعه است؛ لذا به ترجمه و تحلیل این روایات نیازى نیست.

۳. گروه سوم: روایاتی که درباره انتخاب همه انبیاء ﷺ وارد شده است.

برخی از روایات این گروه عبارت اند از:

۱. صلوق (م ۳۸۱ ق) در كتاب عبون اخبار الرضا آورده است:

۳۱. شرح نهج البلاغة، ج ۹، ص ۱۷۴.

۳۲. مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۵۳؛ كنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۵؛ يتاييع المودة لذوى القربى، ج ۳، ص ۲۶۹.

۳۳. الكشف الحثيث، ص ۲۱۶.

۳۴. كنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۵.

۳۵. يتاييع المودة لذوى القربى، ج ۳، ص ۲۸۹.

۳۶. همان، ج ۳، ص ۳۸۰.

قال الامام الحسن بن علی رضی الله عنه: حدثني أبي، عن جدي، عن الرضا، عن آبائه، عن علي رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: إن الله - عز وجل - اختارنا معاشر آل محمد و اختار الثيبين ... و ما اختارهم إلا على علم منه بهم أنهم لا يوافقون ما يخرجون به عن ولايته ...! <sup>۳۷</sup>

امام حسن عسکری رضی الله عنه به نقل از امامان پیش از خود از پیامبر اسلام ﷺ نقل می‌کند که فرمود: خدای - عز و جل - ما اهل بیت را برگزید و آن گاه پیامبران را برگزید و از این رو آنان را برگزید که با علم خویش دریافت که از ایشان خطایی سر نمی‌زند که از دایره ولایتش خارج شوند.

۲. صدوق (م ۳۸۱ ق) در کتاب علل الشرایع آورده است:

الانبياء و الحجج الذين اختارهم الله على علم على العالمين؛ <sup>۳۸</sup>  
پیامبران و حجت‌هایی که خداوند با توجه به علم خویش بر همه خلائق برگزید.

۳. سید بن طاووس (م ۵۸۹ ق) در کتاب اقبال الاعمال آورده است:

قال الله - تبارك و تعالی - : ... انی اطلمت یا عبدی! فی علمی علی قلوب عبادی فلم ار فیهم اطوع لی و لا انصح لخلقی من انبیائی و رسلی فجعلت لذلك فیهم روحی و کلمتی ... و اصطفیتهم علی البرایا برسالتی و وحیی ...! <sup>۳۹</sup>

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: من با علم خویش بر دل بندگانم واقف شدم و در بین ایشان کسی را فرمانبرتر و خیر خواه‌تر از پیامبران و فرستادگانم نیافتم؛ لذا از روح خود و از کلمات خود در وجودشان نهادم و آنان را بر دیگر بندگانم برگزیدم.

## نتیجه

آنچه از مجموع این روایات درباره ملاک انتخاب پیامبران و امامان استفاده می‌شود، این است که: خداوند با علم ازلی می‌دانست که پیامبران و امامان در آینده، حتی اگر به رتبه پیامبری و امامت هم نایل نشوند، با اراده و اختیار خود نسبت به انسان‌های دیگر در برابر خداوند مطیع‌تر و متواضع‌ترند و بیش از دیگران در مسیر اطاعت و بندگی خداوند قرار دارند؛ لذا در میان همه انسان‌ها، آنان شایسته‌تر از دیگران برای رسیدن به رتبه پیامبری و امامت هستند. بر همین اساس، آنان را از همان ابتدا به عنوان پیامبر و امام برای آینده انتخاب کرد و چون این انتخاب بر اساس شایستگی آنان بوده است، برای آنان موجب افتخار نیز هست.

توضیح این مطلب آن است که:

اگر انتخاب پیامبر از جانب خداوند به این صورت بود که از بین تعدادی از انسان‌ها - که سال‌ها با یکدیگر زندگی کرده‌اند - بهترین و شایسته‌ترین فرد را به عنوان پیامبر انتخاب می‌کرد؛ و کمالات و

۳۷. عبون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۲۲۲.

۳۸. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۱۳.

۳۹. اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۱۳ و ج ۲۱، ص ۳۱۳.

امتیازات پیامبری مانند عصمت و... به آن فرد می‌داد؛ یعنی کسی را انتخاب می‌کرد که با اراده و اختیار خود بیش از دیگران در مسیر اطاعت و بندگی خداوند قرار داشت؛ واضح است که چنین انتخابی بی‌اشکال بود؛ چون این انتخاب بر اساس لیاقت و شایستگی آن فرد بوده که این شایستگی در دیگران نبوده است.

حال اگر خداوند، با علم ازلی - که به آینده انسان‌ها دارد - بداند که در میان انسان‌های موجود، مثلاً فرزند آمنه و عبدالله، حتی اگر به مقام پیامبری و عصمت هم نرسد، با اراده و اختیار خود بیش از دیگران در مسیر هدایت و اطاعت خدا گام برمی‌دارد و خود را مطیع‌ترین و خاضع‌ترین انسان در برابر خدا قرار می‌دهد، لذا وی را بهترین و شایسته‌ترین و لایق‌ترین فرد برای احراز مقام نبوت تشخیص داده و در نتیجه او را به عنوان پیامبر انتخاب کند و برای جلوگیری از هر گونه انحراف و در نتیجه ایجاد سوء سابقه، از ابتدای تکلیف به او مقام عصمت دهد، واضح است که چنین انتخاب و چنین اعطایی نیز هیچ گونه اشکالی ندارد.

بنابراین، انتخاب فردی به عنوان پیامبر بر این اساس است که خداوند با داشتن علم ازلی به آینده انسان‌ها، می‌داند که هر یک از آن انبیا با رسیدن به سن بلوغ و تکلیف، حتی اگر به رتبه پیامبری هم نرسد، با اراده و اختیار خود بیش از سایر انسان‌ها در مسیر پاکی و فضیلت و تقرب به خدا قدم برمی‌دارد؛ لذا خداوند او را جهت اعطای مقام پیامبری شایسته‌ترین فرد دانسته، در نتیجه وی را به عنوان پیامبر انتخاب کرده و مقام عصمت را به او داده است.

پس در پاسخ به این سؤال که چرا مقام نبوت و همچنین مقام عصمت تنها به افراد خاصی داده شد، باید گفت: چون تنها آنان لایق و شایسته این مقامات بودند و دیگران این لیاقت و شایستگی را نداشتند.

از سویی دیگر، چون اعطای این مقامات بر اساس لیاقت و شایستگی آنان بوده، برای آنان افتخار و امتیاز نیز خواهد بود.

با این توضیح پاسخ اشکالات ذکر شده روشن می‌شود.

همین تحلیل درباره انتخاب امامان شیعه<sup>علیهم‌السلام</sup> و دادن مقام امامت و عصمت به آنان هم جاری می‌شود.

### کتابنامه

- اقبال الاعمال، علی بن موسی ابن طاووس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- الامالی، طوسی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- الارشاد، مفید، دارالمفید.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ مدینة دمشق، علی بن الحسن (ابن عساکر)، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۸ق.

- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر، بیروت: دار المعرفة.
- الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، بیروت: دار الفکر.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، بی جا: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۴۰۷ق.
- علل الشرائع، محمد بن علی (صدوق)، نجف: المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ ق.
- عیون اخبار الرضا، محمد بن علی (صدوق)، بیروت: مؤسسة الاعلمی، اول، ۱۴۰۴ق.
- الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، تهران: مکتبة الصدوق، بی تا.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی (صدوق)، تهران: النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
- الکامل، عبدالله بن عدی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- کثر العمال، المتقی الهندی، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- الكشف الحیث، برهان الدین الحلبي، بی جا، اول، ۱۴۰۷ق.
- من لا یحضره الفقیه، صلوق، قم: نشر جامعه مدرسین، دوم.
- المعجم الاوسط، طبرانی، بی جا: دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
- المعجم الکبیر، طبرانی، دوم.
- میزان الاعتدال ذہبی، بیروت: دارالمعرفة.
- مجمع الزوائد، هیثمی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، بیروت: دارالمعرفة.
- وسائل الشیعة، محمد بن الحسن حر عاملی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، پنجم، ۱۴۰۳ق.
- ینابیع المودة، سلیمان القندوزی، تهران: اسوه، اول، ۱۴۱۶ق.
- الیقین، علی بن موسی ابن طاووس، قم: دار الکتب، ۱۴۱۳ق.